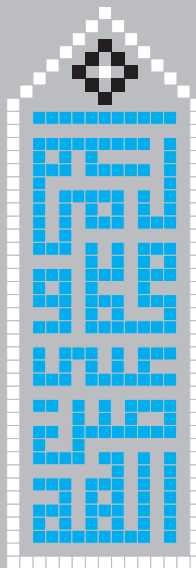


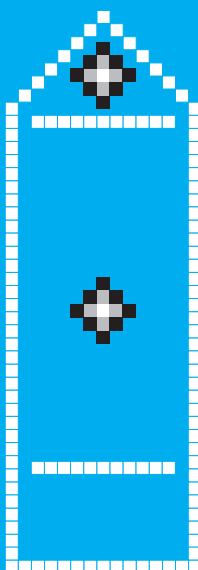
اسمہ الہی والو حمیرا الیٰ حمیرہ

سرشناسه: تیلور، پل ا.، ۱۹۶۷ - م. Taylor, Paul A.  
عنوان و نام پدیدآور: ژیک و رسانه/پل ای. تیلور؛ مترجم روح‌الله گل‌مرادی؛  
ویراستار علمی محمد خندان.  
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری،  
پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۶۸ ص.؛ ۱۴×۲۱/۵ س.م.  
فروست: مجموعه فیلسوفان و رسانه/دبیر مجموعه محمد خندان.  
شابک: ۸-۸-۹۲۵۸-۶۲۲-۹۷۸ دوره: ۷-۵-۹۲۵۸-۶۲۲-۹۷۸  
یادداشت: عنوان اصلی: Žižek and the media, 2010.  
موضوع: ژیک، اسلوی، ۱۹۴۹ - م. Žižek, Slavoj  
موضوع: رسانه‌های گروهی -- فلسفه Mass media -- Philosophy  
شناسه افزوده: گل‌مرادی، روح‌الله، ۱۳۶۹ -، مترجم  
شناسه افزوده: خندان، محمد، ۱۳۶۱ -، ویراستار  
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
رده‌بندی کنگره: P۹۰  
رده‌بندی دیویی: ۲۳۰/۳۰۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۸۷۶۲۹  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



مجموعه فیلسوفان و رسانه  
ژیرک رسانه

پل ای. تیلور  
مترجم: روح الله گلمرادی  
ویراستار علمی: محمد خندان  
(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)





## پژوهش‌نامه فرهنگ و هنر اسلامی

مجموعه فیلسوفان و رسانه؛

ژبیزک و رسانه

پل ای. تیلور

مترجم: روح‌الله گل‌مرادی

دبیر مجموعه و ناظر علمی: محمد خندان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ: پیکان

چاپ نخست: ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شماره دوره: ۷-۵-۹۲۵۸۰-۶۲۲-۹۷۸

شماره جلد: ۸-۸-۹۲۵۸۰-۶۲۲-۹۷۸

نشانی:

تهران، خیابان سمیه،

حوزه هنری، پژوهش‌نامه

فرهنگ و هنر اسلامی

کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۴

شماره تماس: ۸۸۸۹۶۹۲۳



با اسکن  
رمزینسه از  
دیگر آثار  
پژوهش‌نامه  
آرشیو  
مکتوبید

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهش‌نامه فرهنگ و هنر اسلامی: ۰۹۱۰۸۱۰۴۲۸

## فهرست مطالب



- ۷ پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
۱۰ سیاست‌گذاری  
۱۳ پیشگفتار: گل سرسید... در مهمانی شام رسانه‌ها  
۲۱ مقدمه: «برادر مارکس»، «الویس نظریه فرهنگی» و کلیشه‌های رسانه‌ای دیگر



### ۲۹ فصل نخست: دیویچه منحرف رسانه‌ای شده

- ۳۰ مقدمه: اتصالی‌های نظری  
۳۴ کزنگریستن به چرخ دستی عجیب و غریب در سمت تاریک خیابان  
۴۰ روان‌پریشی و روان‌رنجوری رسانه‌ای: دانسته‌های نادانسته  
۴۹ بیرون‌آوردن بیراز جنگل  
۵۳ کاربردآزی رسانه و مسئله دورا  
۵۶ پیچیدگی رضایت به اختگی:  
داستان دو حزب سیاسی که به طرزی نمادین تحریف شده است  
۶۲ نتیجه‌گیری: اختگی بدون خون‌ریزی جدی و قلوبه سنگ‌های فیلسوف



### ۶۷ فصل دوم: گردگیر قلقلک‌دهنده ژیزک

- ۶۸ مقدمه: جدیت فلسفی لطیفه‌های دیونوسی  
۷۳ سوژه‌های قلقلک‌دهنده: پرهای تاب خورده، فارست گامپ و مرغی که نمی‌داند  
۸۴ بازی هری: گریز از قلقلک شدن  
۸۷ حقیقت قلقلکی ژیزک  
۹۱ هیاہوی بسیار برای هیچ  
۹۶ سبکی تحمل ناپذیر سرمایه‌داربودن  
۱۰۳ نتیجه‌گیری: روح، یک استخوان است



### ۱۰۵ فصل سوم: دیگری (برادر) بزرگ: روان‌کاوی رسانه

- ۱۰۶ مقدمه: وساطت واقعیت  
۱۰۷ امر واقع  
۱۱۱ امر نمادین  
۱۱۳ امر خیالی  
۱۱۴ دیگری بزرگ  
۱۱۶ فرد میانجی شده  
۱۲۰ کارآمدی نمادین یا چشمان کاملاً بسته در سینما و فضای مجازی؟  
۱۲۶ دیگری بزرگ به مثابه برادر بزرگ: هرزه‌نگاری ماتم در ووتون باست  
۱۳۱ ناتوانی در توجه به شکاف: روان‌رنجوری وساطت‌شده تلویزیون واقع‌نما  
۱۳۶ نتیجه‌گیری

۱۴۱	فصل چهارم: فهم رسانه: عینیت‌سازی متعالی ایدئولوژی
۱۴۲	مقدمه: فرم عجیب و غریب ایدئولوژی
۱۴۷	موضع غیرممکن بیان و تعالی‌زدایی از ایدئولوژی
۱۵۹	پیام رسانه‌ای مراقبت بهداشتی جهان شمول فاشیستی
۱۶۲	سکوت بره‌ها، نادانی مرغ و بدبینی فارست گامپ و پاندای کونگ‌فوکار
۱۷۲	نتیجه‌گیری: گزارش اقلیت و ناپرسش ۵ میلیون دلاری



۱۷۷	فصل پنجم: خشونت رسانه
۱۷۸	مقدمه: رسانه‌ای کردن خشونت
۱۷۸	خشونت ذهنی
۱۷۹	خشونت عینی
۱۸۱	(نا)کشوری هرزگی
۱۸۶	فرآیند عملیاتی استاندارد رسانه
۱۹۴	ترومای ارتباط: طوفان کاترینا و سوزه‌ای که فرض می‌شود غارت و تجاوز می‌کند
۱۹۹	خشونت نمادین رسانه‌ای کردن ژریک
۲۰۴	انسان دوستی خشونت‌آمیز کمونیسم لیبرال
۲۰۹	نتیجه‌گیری: خشونت الهی گلوله برشتی



۲۱۳	فصل ششم: بقالی ترس‌های ایدئولوژیک این بدله‌گو
۲۱۴	مقدمه: دلکک‌کشنده
۲۱۶	به عدالت استحقاقی امر واقع خوش آمدید: ۱۱ سپتامبر و واکنش‌های بنیادگرایانه به نظریه
۲۲۶	جوکر کمونیست: روش در دیوانگی ژریک
۲۳۲	شخصیت‌های منفی گاتهام سیتی به عنوان وجدان بد سرمایه‌داری: «چیزی که تو در تولنت می‌گذاری، من در شنلم می‌گذارم.»
۲۳۸	بتمن به عنوان ایدئولوژی سازنده: کمونیست لیبرال
۲۴۳	نتیجه‌گیری: دروغ مصلحتی



۲۴۷	فصل هفتم: نتیجه‌گیری
۲۴۸	فقط انجامش نده: دیالکتیک منفی در عصر ناپکی
۲۵۳	دیویچه انحراف بی حرکت



۲۵۶	یادداشت‌ها
۲۶۰	منابع و مآخذ





## پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



امروزه رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های جدید مبتنی بر فضای مجازی، نقشی مهم در معنابخشی به زندگی انسان ایفا می‌کنند. کار و فراغت انسان، به عنوان دو بعد اصلی زندگی، هرچه بیشتر به رسانه‌ها متکی شده‌اند. از این رو فهم ابعاد فلسفی رسانه‌ها به یک ضرورت انکارناپذیر در جهان معاصر بدل شده است. با وجود این، یکی از حوزه‌هایی که در کشور ما آن‌طور که باید و شاید مورد توجه مجامع علمی قرار نگرفته، همین حوزه «فلسفه رسانه» است. به رغم نفوذ قوی رسانه‌ها در ابعاد مختلف زندگی، کمتر به این مسئله پرداخته‌ایم که رسانه چه نسبتی با هستی و معنای زندگی ما دارد. بنابراین لازم است به قدر وسع خود در پر کردن این خلأ بکوشیم. ما در مواجهه با رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید، از جمله رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، علاوه بر کسب «مهارت» در استفاده از این تکنولوژی‌ها، نیازمند حصول «خودآگاهی» در قبال آنها هستیم تا فاصله معقولی با آنها داشته باشیم. حفظ فاصله معقول با اشیا، به عنوان عملی انسانی، می‌تواند یا ناشی از احساس «ترس» باشد، یا ناشی از خودآگاهی فلسفی در قبال «امکان‌ها و خطرهای» توأمان آنها. آنچه راهگشای فرهنگ انسانی است، گذر از ترس‌های غریزی به خودآگاهی فلسفی است. مواجهه فلسفی با فضای مجازی، کوششی برای گشودن راه‌های چنین گذری است. آشنایی با افکار فلسفی در زمینه رسانه و به ویژه فضای مجازی، می‌تواند به رشد خودآگاهی فلسفی در قبال جامعه و جهان معاصر در بین ما ایرانیان کمک کند.

رسانه‌ها و نظام‌های اطلاعاتی در افق امکان‌های متناهی ما که به گشودگی جهان وابسته است، تأسیس و تقویم می‌شوند و از این‌رو ضمن اینکه می‌توانند از برخی جهات امکان‌هایی نجات‌آفرین و رهایی‌بخش به ما عرضه کنند، از برخی جهات دیگر متضمن فروبستگی و به مخاطره افکندن برخی جوانب وجودی انسان هستند. برخلاف پاره‌ای مشهورات رایج، در عصر رسانه‌ها و جامعه اطلاعاتی، آزادی و رهایی اموری از پیش داده‌شده و تعیین‌یافته نیستند، بلکه رسانه‌ها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی به‌نحو همزمان بر خطر و نجات دلالت دارند و بهره‌مندی از امکان‌های نجات‌بخش آنها مستلزم «مراقبه» و «مبالات» در مورد وجود انسان و ارزش‌های انسانی است. فلسفه از دیرباز نوعی مراقبت برای حفظ اعتدال در زندگی انسان تلقی می‌شده است و اکنون نیز می‌تواند به ما پیاموزد که چگونه در جهان رسانه‌ای شده، اهل خودنگهدای و کف نفس و اعتدال باشیم و در بین ساحات مختلف زندگی محدود خویش، موازنه و تعادل برقرار کنیم.

مواجهه با آراء فیلسوفان بزرگ در هر زمینه‌ای می‌تواند سرآغاز مناسبی برای تمرین تفکر فلسفی در آن زمینه باشد. فیلسوفان بزرگ آموزگاران تفکر به انسان‌اند و ما در بحث از آراء آنها، صرفاً به نشر و انتقال افکارشان به دیگران نمی‌پردازیم، بلکه مهم‌تر از آن، در راه و رسم تفکر با آنان شریک می‌شویم و سیر در طریق تفکر را از آنان فرامی‌گیریم. فلسفه‌ورزی در حوزه «فلسفه رسانه» را نیز می‌توانیم با گفتگو و بحث درباره آراء فیلسوفان و متفکران بزرگ و اثرگذار بی‌اغازیم. چنین تلقی‌ای منجر به ترجمه مجموعه «فیلسوفان و رسانه» شده است. در هر مجلد از مجموعه «فیلسوفان و رسانه» دلالت‌های یکی از فیلسوفان و متفکران اثرگذار قرن بیستم، شامل مارتین هایدگر<sup>۱</sup>، والتر بنیامین<sup>۲</sup>، پل ویریلیو<sup>۳</sup>، فریدریش کیتلر<sup>۴</sup>، اسلاوی ژیزک<sup>۵</sup>، و مانوئل کاستلز<sup>۶</sup> در عرصه رسانه و تکنولوژی اطلاعات بررسی می‌شود.

1. Martin Heidegger

2. Walter Benjamin

3. Paul Virilio

4. Friedrich Kittler

5. Slavoj Žižek

6. Manuel Castells

مجلد حاضر به شرح آراء اسلاوی ژیتک اختصاص دارد که توسط پل تیلور، دانشیار «مؤسسه مطالعات ارتباطات» دانشگاه لیدز<sup>۱</sup>، نوشته شده است. نظریه‌پردازی درباره فرهنگ عامه و رسانه‌ها با ترکیبی از روان‌کاوی لاکان و دیالکتیک هگل که توسط تحلیل مارکسیسی پروبلماتیک شده است، آثار ژیتک را برای بسیاری از خوانندگان و دانشجویان جذاب کرده است. البته مسئله صرفاً جذابیت روش و سبک تحلیلی ژیتک نیست، بلکه در پس این ظاهر بازیگوشانه بصیرت‌هایی نهفته است که می‌تواند برای دانشجویان و پژوهشگران مطالعات فرهنگی و رسانه سودمند باشد و به فهم موقعیت کنونی ما یاری کند. پل تیلور در ژیتک و رسانه کوشیده است درآمدی نظام‌مند و روشن به دغدغه‌ها و مضامین مهم مجموعه کارهای ژیتک در ارتباط با رسانه‌ها ارائه کند و نشان دهد که سبک مطایبه‌گرانه ژیتک چگونه به آشکارسازی و افشای ایدئولوژی سیاسی پنهان در پس رسانه‌ها می‌انجامد. پل کندن<sup>۲</sup>، صاحب‌نظر برجسته مطالعات ارتباطات و رسانه در ترینیتی کالج دوبلین<sup>۳</sup>، درباره ژیتک و رسانه می‌گوید: «در کل، این کتاب شرحی شیوا و برانگیزنده از جهان‌بینی ژیتک و افادات او در حوزه تحلیل رسانه و فرهنگ است. گرچه محدودکردن کتاب به این حوزه‌ها به معنای نادیده‌گرفتن تأثیر مهم‌تر ژیتک بر حوزه فلسفه و روان‌کاوی است. کتاب حاضر، کتابی افسون‌زداست که نشان می‌دهد در عصری آکنده از رسانه، زندگی و فهم ما چگونه جهت داده می‌شود».

محمد خندان

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران / تابستان ۱۴۰۳

1. Paul Taylor

2. Institute of Communications Studies, University of Leeds

3. Paul Candon

4. Trinity College Dublin

سیاسی گزارشی

سپاس فراوان بابت گفتگوی فکری و حس همکاریِ دانشگاهی از جانب شمارِ روبه‌کاهش کسانی که هنوز به یاد دارند دانشگاه‌ها باید به چه پردازند. انگلستان:

لیدز: آن بلیر، ریکاردو بلاگ، بن بولینگ، آلیسون کاوانا، مارک دیویس، اُونِ دِمپسی، سام دورانت، روث کیتچن، الیزابت پندر، نیکولاس ری، تینا ریچاردسون، سلمان سید، دِرک اسکات، دیوید تام و سیلویا واتس. منچستر: تونی براون، ماتياس فوکس، گِریم گیلک، راب لپسلی، تیم می، کثی پیرس، تری اسپیک و ترزا ویلکی.

لیورپول: ایمانول گالفارسورو. سپاسگزاری تنها چیزی است که می‌توانم درباره‌ او بگویم. لندن: ریچارد هاوِلز و آشوانی شارما. ایالات متحده:

پرفسور دیوید جی. گانکل، که حامی و راهنمای همیشگی‌ام هم از حیث فنی و هم فکری بوده است؛ زنده باد!

پرفسور خورخه اسکیمنت که نشان داد میزبانی جذاب و سخاوتمند برای روز شکرگزاری است. خدا پشت و پناحت!

نیجریه: عزیز لوكومَن؛ پژوهشگری واقعاً نجیب که افتخار این را دارم که او را یک دوست بنامم؛ اگر خوبی کنی، رنج خواهی دید؛ اگر خوبی نکنی، بخشیده خواهی شد.

ژاپن: هیروکو و هاروکی آسانو.

سپاس ویژه:

از جاستین دایر برای ویراستاری استثنایی این متن؛  
از گرت پالمز برای همه فیلم‌های بد و شوخ‌طبعی بدترش؛  
از سیلوپا تات برای کمک‌ها، تشویق، شور و اشتیاق و فهرست بی‌پایان  
مطالب خواندنی‌اش؛  
و از دایان مایرز برای آن همه مهربانی بی‌حد و حصرش بسیار ممنونم. تبریک  
بابت فرار بزرگ؛<sup>۱</sup> اما لطفاً «سایه خود را از ما دریغ نکنید».  
در پایان، سپاس و قدردانی بی‌نهایتیم را به اسلاوی ژیتک و عشق عمیقاً  
الهام‌آور و بی‌تکلفش به زیبایی محض و شیفتگی اعتیادآورش به نظریه تقدیم  
می‌کنم؛ از تو بسیار ممنونم.<sup>۲</sup>

۱. اصطلاح «Congratulations on the great escape» به عنوان تبریک در زمانی به کار می‌رود که کسی شغل خود را برای جهانی تازه ترک و شغل دیگری اختیار می‌کند. در اینجا هم دایان مایرز در سال ۲۰۰۹، پیش از انتشار این کتاب، شغل خود به عنوان مدیر حساب را ترک می‌کند و در مؤسسه مطالعات ارتباطات به عنوان هماهنگ‌کننده مشغول کار می‌شود. در ضمن، مایرز در ۲۰۰۸ مصاحبه‌ای با ژیتک انجام داده است. به نظر می‌رسد تبریک نویسنده بابت فرار بزرگ، اشاره به همین تغییر شغل باشد. (مترجم)

۲. نویسنده در تقدیر از افراد غیرانگلیسی‌زبان، با جملاتی از زبان خودشان از آنها تشکر کرده است؛ مثلاً زبان‌های اسپانیایی، یوروبایی (مربوط به نیجریه)، لهستانی و اسلونیایی. (مترجم)



پیش‌گفتار  
گل سرسبد...  
در مهمانی شام رسانه‌ها



لحن غیرواقعی‌گرایانه این گرایش‌ها نشانه‌ی خصیصه‌ی آرمان‌شهری‌شان نیست، بلکه نشانه‌ی قدرت‌نیروهایی است که مانع از تحقق آنها می‌شوند (هربرت مارکوزه، انسان تک‌ساحتی).

یکی از بیمارانم گفت: «اگر می‌دانستم، تخت‌خواب را بیش از دو بار در هفته خیس می‌کردم» (ژاک لاکان، آموزه‌ی من).

لطیفهٔ زیر از آن لطیفه‌هایی نیست که ژیزک به کار گرفته است؛ با این حال، به وضوح و به نحوی تناقض‌آمیز، وجه جدی معانی غالباً طنزگونهٔ او را در خود دارد... وسط یک مهمانی شامِ پراز شور و حرارتِ طبقه متوسطی، پیرسگِ نفخ‌دارِ میزبان، تلوتلوخوران و به حالتِ پس‌وپیش رفتن داخل اتاق پذیرایی می‌آید، تِلپی می‌افتد و با شور و اشتیاق، به سرعت شروع می‌کند به لیسیدنِ پایین‌تنه‌اش پیشِ چشمِ مهمانانی که از قضا در این زمان ساکت‌اند. برای کم‌کردنِ حسِ شرم و خجالتی که بر مهمانی سنگینی می‌کند، یکی از مهمانان مرد می‌گوید: «ای کاش می‌تونستم این کار رو بکنم.» این حرف موجبِ موجِ پوزخندِ تلطیف‌کننده‌ای<sup>۱</sup> می‌شود... اما فقط تا زمانی که میزبان با بیانی نیش‌دار می‌گوید: «اگه بیسکوییتی بهش بدی، می‌تونی این کار رو بکنی.» در این لطیفه، سگ لایهٔ زیرینِ ناپسندِ هر مناسبتِ اسماً «متمدنانه» را بازنمایی می‌کند. پس پوششِ لباس‌ها و مشروبات و غذاهای گران‌قیمت و رسوم مؤدبانه، واقعیتِ عربانِ خودستایی‌های جسمانی و اندام‌های جنسی نهفته است که رسوم اجتماعی و ایدئولوژی‌های پس‌زمینهٔ ناپیدای حاکم بر زندگی ما، برای پنهان داشتنِ آنها طراحی می‌شوند. اگر این موقعیت را برای چشم‌اندازِ رسانه‌ایِ امروز به کار بندیم، شوخیِ مهمان یعنی «کاش می‌تونستم این کار رو بکنم»،

سطح اجتماعی مقبول شوخ‌طبعی/ایدئولوژی‌ای است که در عرف برای تلطیفِ موقعیت‌های اضطراب‌آور دیگر به کار می‌رود. این شوخ‌طبعی/ایدئولوژی، معادل گفتمانی برق‌گیر را فراهم می‌کند؛ به منظور حفظ آداب معاشرت، تلاشی برای انحرافِ توجهات به مداخله‌ای مخمل انجام می‌شود. برعکس، بانوی میزبان مخاطرات آسیب‌زا را افزایش می‌دهد. او بر اساس پیش‌کشیدن این حرف توسط مهمان، دست به نوعی نتیجه‌گیری می‌زند تا تلاش مهمان برای خنثی کردن موقعیت را تضعیف کند. ژیک در مقام تحلیلگر رسانه، نقش بانوی میزبان را ایفا می‌کند. تندوتیزی تحلیل رسانه‌ای او با آثار غافل‌گیرکننده حاصل از بینشی ترکیبی که از روان‌کاوی و فلسفه آموخته است، با شوخ‌طبعی زنده تقویت می‌شود. ژیک ما را با ماهیت واقعی آن مسائل آسیب‌زایی رودرو می‌کند که از آغاز از آنها آگاه بودیم، اما روش‌های همواره پیچیده‌تری را برای اجتناب از اندیشیدن به آنها یافته‌ایم.

شیوه منحصر به فرد ژیک در افشای ایدئولوژی سیاسی پنهان رسانه، با دو لطیفه مربوط به اسافل اندام که استفاده می‌کند نشان داده می‌شود (بنا به مقصودمان در اینجا، این دو لطیفه اندکی تعدیل شده‌اند (بنگرید به: طاعون: ۴۶؛ تراژدی: ۷): لطیفه اول در مشروب‌فروشی‌ای در اروپای شرقی است که در آن، ویولن‌نواز کولی بین میزها می‌چرخد و آواز می‌خواند. مشتری‌ای مشغول نوشیدن مشروب است که ناگهان میمونی می‌پرد و به سمت او می‌رقصد، خودش را در لیوان او می‌شوید و بعد دوباره به این‌ور و آن‌ور می‌رقصد. مشتری خشمگین از مشروب‌فروش می‌پرسد چرا میمون این کار را کرد؟ تنها چیزی که مشروب‌فروش

۱. traumatic: در متن واژه تروماتیک به دفعات زیاد به کار رفته است. تروماتیک به رویداد یا چیزی گفته می‌شود که از حیث روانی و عاطفی تنش‌آور است؛ به‌گونه‌ای که به مشکلات ذهنی و عاطفی جدی منجر می‌شود. در متن معادل‌های آسیب‌زا، تروماتیک، و تکان‌دهنده برای این واژه به کار رفته است. برای واژه «trauma» نیز می‌توان از معادل‌های تروما، ضربه روانی، و آسیب روحی استفاده کرد. (مترجم)

به او می‌گوید این است که باید از کولی همه چیزدان پرسد. وقتی مشتری می‌پرسد: «می‌دونی چرا این میمون این کار رو درست تو لیوان من کرد؟»، کولی جواب می‌دهد: «البته» و با خواندنِ مژبه‌ای ادامه می‌دهد: «چرا میمون خودش رو تو لیوان من شست؟/ این یه رازه، حداقل این ... اون نبود.» لطیفهٔ دوم که بسیار آزاردهنده‌تر است، از کشاورزِ روسی قرون وسطایی است که هنگام سفر با خانواده‌اش در جاده‌ای روستایی، سوارکارِ تاتاری راه را بر او می‌بندد و به زنش تجاوز می‌کند. سوارکار برای این که علاوه بر آسیب‌رساندن، او را خوار هم کرده باشد، از کشاورز می‌خواهد حین تجاوز مراقب باشد تا بدن او خاکی نشود. وقتی سوارکار در نهایت سوار می‌شود و می‌رود، همسر زخم‌خوردهٔ کشاورز از خوشحالی ناگهانی‌ای که همسرش نشان می‌دهد، بیشتر شوکه می‌شود. کشاورز توضیح می‌دهد خوشحال است، چون موفق شده متجاوز را فریب دهد: برخلاف دستوری که سوارکار به کشاورز می‌دهد، کشاورز می‌گذارد بدن سوارکار به خاک مالیده شود. پاسخِ نوعی به این لطیفه‌ها ممکن است این باشد که اولی کمی مستهجن و زشت و البته از اساس شوخی‌آمیز و بازیگوشانه است؛ درحالی‌که دومی به علت شیوه‌ای که در آن در مقایسه با خنده‌ای مضحک و سخیف، به صدمهٔ روحی قربانی مؤنث اهمیت کمتری می‌دهد، عمیقاً آزاردهنده و ضدزن است (اتهامی که ژیک به تندی آن را رد می‌کند (۲)). با وجود این، ناتوانی در دیدن آنچه که فراسوی محتوای موهن لطیفه است، به ندیدن اهمیتِ عمیقِ اثر ترکیبی فرم/محتوای «لطیفه عمل» منجر می‌شود.

این دو لطیفه، دو واکنش به کلی مخالف به رویدادهای سیاسی را روی صحنه می‌آورد؛ یعنی واکنشِ پست‌فطرت‌های محافظه‌کار و احمق‌های جناح چپ. این احمق صدای مخالفت سر می‌دهد؛ اما به شیوه‌ای که اثر واقعی مخالفتش، تقویت همان نظامی است که ظاهراً می‌خواهد آن را تضعیف کند. برای نمونه،

داشتن تقاضاهای «غیرواقع‌گرایانه» در چارچوب دموکراسی، به سیاست‌مداران این امکان را می‌دهد که مدعی شوند همین واقعیت که حتی ناراضیان و دگراندیشان رادیکال مجازند حرف خود را بزنند، مناسب نشان دادن قوت دموکراسی است. این واقعیت عملی که نظام سیاسی هرگز اجازه نخواهد داد این رادیکال بودن از گرایش‌های صرفاً نمادین فراتر برود، در هاله‌ای از اقتضای دموکراتیکِ اشراف‌زادگی<sup>۱</sup> گم می‌شود. در مقابل، پست فطرتِ محافظه‌کار، وصفِ اندیشمندِ سازشکارِ جناح راست است که به طرز کلی مسلکانه، فکر و اندیشه خود را برای توجیه همان‌گویانه<sup>۲</sup> نظام کنونی به دلیل وضع واقعی<sup>۳</sup> آن به مثابه نظام موجود، به کار می‌گیرد (این نظرگاه حاوی چنین عباراتی است: «دموکراسی بدترین نظام سیاسی است؛ یعنی فارغ از همه بدیل‌هایش این‌گونه است»). ویولنیست کولی، نقش پست فطرت [محافظه‌کار] را ایفا می‌کند. او پرسشی اساسی درباره مسئله‌ای واقعی (وجود اسافل اندام میمون در لیوان مشروب) را می‌گیرد و این مسئله را به صورت آواز تصعید<sup>۴</sup> می‌کند. مسئله‌ای عملی که نیازمند مواجهه و حل شدن است، به مسئله‌ای لاینحل تبدیل می‌شود؛ کارهای اسرارآمیزِ سرنوشت سازش‌ناپذیر. داستان تجاوز، نقش احمق جناح چپ را نشان می‌دهد. در بستر سوسیالیسم واقعاً موجود، «این لطیفه غم‌انگیز مخمضه مخالفان را آشکار می‌کند: آنها گمان می‌کردند در حال وارد کردن ضرباتی جدی بر نومنکلاتورای<sup>۵</sup> حزب هستند؛ اما همه کاری که انجام

۱. noblesse oblige: اصطلاحی فرانسوی است برای اشاره به این‌که نجیب‌زاده بودن فقط به استحقاق نیست و لازم است نجیب‌زادگان، مسئولیت‌های اجتماعی خودشان مانند سخاوتمند بودن در حق دیگران را ایفا کنند. (مترجم)

2. tautologic

3. de facto

4. sublimate

۵. نومنکلاتورا مجموعه افرادی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر ممالک بلوک شرق بودند که مناصب کلیدی در بوروکراسی کشور در همه زمینه‌ها شامل دولت، صنعت، کشاورزی، تحصیل و... را در دست داشتند و تنها با تأیید حزب کمونیست هر کشور می‌توانستند به آن مناصب برسند. (مترجم)

می‌دادند اجازه‌ی خاکی شدنِ جزئی بدنِ نومنکلاتورا بود، درحالی‌که نخبگانِ حاکم مشغولِ تجاوز به مردم بودند...» (تراژدی: ۷).

این درکِ فریب‌خورده‌ی تسخیرِ قدرت، دقیقاً وصفِ کسانی است که گمان می‌کنند در حالِ زدنِ ضربه‌های کاری بر نومنکلاتورای خود سرمایه‌داری واقعاً موجود هستند. حتی در بحرانی‌ترین حالت، تفکیکِ مفسرانِ رسانه‌ای بانفوذ و قدرتمند که وانمود می‌کنند از قدرت حساب می‌کشند، از سرسپرده‌های شرکتی<sup>۱</sup> هرچه دشوارتر می‌شود. تحلیلِ ژیزک در مخالفت با این گرایش‌های سازشکارانه، کلبی‌مسلكي نظامِ رسانه‌ای غربی را نشان می‌دهد که در آن، فجایعِ طبیعی مانند زلزلهٔ اخیرِ هائیتی (اسافل اندام میمون در لیوان مشروب) به احساساتی‌گری<sup>۲</sup> همیشه‌گریانِ آهنگِ ساخته‌شده توسط سایمون کاول<sup>۳</sup> با نام «همه آسیب می‌بینند»<sup>۴</sup> (ترانهٔ کولی) از سوی صنعت موسیقی تبدیل می‌شود؛ صنعتی که به‌عنوان شغلِ دوم در کسوت سازمانی بشردوستانه کار می‌کند. ژیزک، برخلاف احمق مقدس و پست‌فطرتِ کلبی‌مسلك، ما را ترغیب می‌کند تا با کژنگری<sup>۵</sup> به این نمایشِ رسانه‌ای<sup>۶</sup> بنگریم. در حادثهٔ هائیتی، کژنگریستن کمک‌مان می‌کند تا دربارهٔ دهه‌ها دسیسه‌های ژئوپلیتیکی‌ای تأمل کنیم که زیرساخت‌های اولیهٔ کشورهای فقیر را از اساس تخریب می‌کند و این تخریب، خود، به‌میزان زیادی (و البته همان‌طور که انتظار می‌رفت) تلفات انسانی فجایعی را تشدید می‌کند که رسانه با حيله‌گری، آنها را تقدیرِ خداوند جا می‌زند.

۱. corporate apparatchiks؛ به‌عضوی از دم‌ودستگاه کمونیستی «apparatchik» می‌گویند. (مترجم)

2. sentimentality

3. Simon Cowell

4. Everybody Hurts

۵. Look awry: عنوان کوتاه یکی از کتاب‌های ژیزک همین اصطلاح است. Looking Awry: An

Introduction to Jacques Lacan through Popular Culture. (مترجم)

6. media spectacle

ژیتک رديه‌ای بر این تسلي دروغين بسیار خوش‌بينانه کسانى می‌زند که مدعى یافتن شواهدى اطمینان‌بخش هستند مبنى بر این‌که هنوز در قلب سرمایه‌دارى، مقاومت و توانمندسازى شکوفا می‌شود و گسترش می‌یابد؛ يعنى پیروزی پیروسی<sup>۱</sup> بابت خاکی‌کردن بدن متجاوز. ژیتک، دیوژن («سگ(۳)») مدرن، سنت فلسفی کلبی مسلکانه افشای ظاهرسازی‌های قدرت را با نمایش زیرشکم و اعضای تناسلی قدرتمندان که ترجیح می‌دهند به آن فکر نکنند، ادامه می‌دهد. او نقش‌های شکسپیری تری<sup>۲</sup>، بلانچ<sup>۳</sup> و سویت‌هارت<sup>۴</sup> را بازی می‌کند که با پارس‌کردن به شاه‌لیر می‌فهمانند اقتدارش پوچ و توخالی است؛ همچنین ژیتک در این احساس با پروتوس<sup>۵</sup> مشترک است که «ترجیح می‌داد سگی باشد و در همه ماه پارس کند/تا این‌که چنین [شهروند] رومی‌ای باشد» (ژولیوس سزار، پرده ۴، صحنه ۳). ژیتک شوخ‌طبعی شیطنت‌آمیز میزبان ضیافت شام را با توانایی سگ برای مشوش‌کردن کسانى که با خیال راحت مشغول غذاخوردن هستند، ترکیب می‌کند. حالا این صحبت‌های آغازین ساده اما برانگیزنده را که شاهد بودم ژیتک با آنها سخنرانی عمومی پرجمعیتی را در دانشگاه لیدز قوت بخشید، تکرار کنیم: «بیایید نظریه‌پردازی کنیم!»

۱. پیروزی پیروسی یا پیروزی شکست‌آمیز به گونه‌ای از پیروزی گفته می‌شود که هزینه و آثار زیان بارش به اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را به‌راستی پیروزی به‌شمار آورد. (مترجم)

2. Tray

3. Blanch

4. Sweetheart

۵. مارکوس یونیوس پروتوس (۸۵ ق م تا ۲۳ اکتبر ۴۲ ق م) سیاستمداری در اواخر دوران جمهوری روم که عمده شهرت او برای ایفای نقش اساسی در ماجرای قتل ژولیوس سزار است. (مترجم)





مقدمه

# «برادر مارکس»، «الویس\* نظریه فرهنگی» و کلیشه‌های رسانه‌ای دیگر



الویس آرون پرسلی که به نام الویس نیز شناخته می‌شود، خواننده و موسیقی‌دان و بازیگر آمریکایی بود. او یکی از نمادهای فرهنگی شاخص قرن بیستم دانسته می‌شود و اغلب از او به عنوان «سلطان راک اند رول» یا به اختصار «سلطان» یاد می‌شود. به این تعبیر، ژینک را الویس نظریه فرهنگی یا عرصه فرهنگی می‌نامند. (مترجم)

نویسندگان بسیاری از گذشته وجود دارند که طی قرن‌ها فراموشی و غفلت دوام آورده‌اند؛ اما این پرسش همچنان باقی است که آیا خواهند توانست با نسخه‌ای سرگرم‌کننده از آنچه باید بگویند، دوام بیاورند (آرنت، ۱۹۹۳ [۱۹۵۴]: ۲۰۷ تا ۲۰۸).

اسلاوی ژیزک در سال ۱۹۸۹ با کتاب *ابژه متعالی ایدئولوژی*<sup>۱</sup>، به یک باره در صحنه دانشگاهی بین‌المللی ظاهر شد. او که بسیار سرگرم‌کننده است، یکی از شخصیت‌های بین‌المللی اصلی انکارنکردنی در نظریه فرهنگی شده است که مرتباً با امکان‌های پرسش همچنان مطرح آرنت سر می‌کند. ژیزک که حالا هم درون دانشگاه و هم بیرون از آن، در رشته‌هایی به پراکندگی الهیات و مطالعات فیلم [آثارش] بسیار خواننده می‌شود، وجه تمایزی با اهالی متعارف آکادمی دارد که نه فقط به سبب گستره اطلاع‌رسانی و به‌کارگیری فعالیت پژوهشی او توسط رسانه‌هاست، بلکه همچنین به سبب تعداد دفعاتی است که او در قلمرو رسانه ظاهر می‌شود. او موضوع فیلمی مستند (ژیزک!)، مجری مجموعه‌ای تلویزیونی (راهنمای منحرف در سینما) و همکار دائمی مقالات ژورنالیستی است و به راحتی در انبوهی از قطعات<sup>۲</sup> یوتیوبی می‌توان او را دید.

1. The Sublime Object of Ideology

2. snippet

اجرای معمول ژیتیک، خواه شفاهی و خواه مکتوب، ممکن است همچون کلافی سردرگم‌کننده از سلسله مطالبی مفهومی ظاهر شود. او عمدتاً سرگین‌گرا است؛ بحث اسفندتر محوراً او درباره‌ی کش‌سانی مفاهیم نظری و بررسی ادبی مستراحی<sup>۳</sup> او درباره‌ی دلالت فرهنگی تفاوت‌های ملی در طراحی توالی، فقط دو نمونه به‌ویژه ماندنی هستند (۱). با این حال، ورای این برداشت سطحی (که با دستورکار رسانه که به استفاده از برش‌هایی از صحبت‌ها و سخنرانی‌ها گرایش دارد، بدتر می‌شود)، در فصل‌های بعد این موضوع را بررسی می‌کنیم که ژیتیک چگونه روایتی به‌خوبی تنظیم‌شده از آن چیزی را به دست می‌دهد که در کنه سطح ظاهری تجربه‌ای اجتماعی نهفته است که رسانه‌ای شده است؛ فرآیندهایی ایدئولوژیک که به‌نحوی متناقض‌نما به‌واسطه‌ی وضوح زیاد و حس طبیعی‌شان، نهان می‌مانند.

رسانه‌های سرمایه‌داری، نظامی جمعی را شکل می‌دهند که بر سلطه‌ی امر عام بر امر خاص مبتنی است (کالا مقوله‌ی عام و تعیین‌کننده‌ی جامعه‌ی سرمایه‌داری است). از این رو، ویژگی‌های خاص هر رسانه‌ی معین، تحت سلطه و نفوذ نقش آن رسانه به‌عنوان بخشی فرعی از یک نظام رسانه‌ای فراگیر، قرار می‌گیرد؛ یعنی جامعه‌ی نمایش<sup>۴</sup> به‌تازگی دیجیتال‌شده‌ی ما. بنابراین در سرتاسر این کتاب، اصطلاح «رسانه» عامدانه به‌عنوان اسم جمع مفرد به کار گرفته می‌شود تا ویژگی‌های نظام‌مند رسانه‌های منفردی را که هم تحت تأثیر [نظام رسانه‌ای]

### 1. scatological

۲. عضله‌ای دایره‌ای شکل است که به‌طور معمول، انقباض مجاری و منافذ طبیعی بدن و در صورت نیاز، باز یا بسته شدن مجرای یا منفذ را کنترل می‌کند. (مترجم)

### 3. lavatorial

۴. society of the spectacle: جامعه‌ی نمایش نام کتابی از نظریه‌پرداز انتقادی مارکسیست، گی دوبور نیز هست. دوبور که از شخصیت‌های برجسته جنبش موقعیت‌گراست، بر اساس این کتاب فیلمی به همین نام نیز ساخته است. (مترجم)